

معرفی کتاب



درباره کتابی از استان فارس

فرزند «لاینز»

■ **علی مدد زیدی**

۸۰۰۷۰ سال پیش، یعنی همان زمانی که دنیا تازه از تب و تاب دومین جنگ جهان سوزش رها شده بود، اعوان و انصار ملکه برتانیا که حالا مثل آب خوردن و به حکم خانه خاله، هر لحظه که اراده می کردند وارد خاک ایران می شدند، در یکی از محله‌های شیراز باشگاهی به نام لاینز (lions) تأسیس کردند، ساختمانی که اسمش با گذر زمان، به جای اسم محل جا خوش کرد و پس از سال‌ها و بعد از انقلاب هم از چرخه زبان اهالی خارج نشد.

احتمالا در آن دوران، به خواب شب مردم محله لاینز هم خطور نمی‌کرد که روزی این خاک اهالی ای را به خودش ببیند که با ترکیب دو کلمه بیگانه و وطن، از خواب و خوراک و درس و زندگی بیفتند و زیر بار آتش و گلوله، ساکن کوه و بیابان بشوند. سوژه‌ای که «لاینز» روی آن دست گذاشته از همین اهالی است، شهید ناصر ورامینی.

چنین‌ها در مرداد سال ۱۳۴۵ به دنیا آمد و هنوز چند صباخی با سرد و گرم روزگار دست و پنجه نرم نکرده بود که شیپور جنگ میان ایران و عراق نواخته شد. بساط مدرسه را جمع کرد و با همدستی برادر، تاریخ تولدش را چند سالی جابه‌جا کرد و راهی خطوط مقدم شد. چند سالی تنفس و زیست در آتسفر جنگ، او را کار آزموده کرده بود و دیگر بدون توجه به سن و سالش، نامش در کنار اسامی فرماندهان خطوط قرار می‌گرفت. در همین اوضاع و احوال خبر پد شدن نیز کام فرمانده نوپای شیرازی مان را شیرین کرد، اما چرخ روزگار نه به قدر کفایت او را در قامت فرماندهی دید و نه رخت پدری بر تنش نشانند و در نهایت هم اسفند سال ۶۶ در خاک عراق، بر بلندئی‌های ارتفاعات رشن به شهادت رسید.

حال نجمه طراح دست به قلم شده تا در ۱۶۴ صفحه، شمایی از زندگانی شهید ورامینی ترسیم کند. روایت کتاب در تلاش است که هم در ردیف داستان قرار بگیرد و هم بی مستند را به زیر مشام مخاطب برزد. نویسنده اثر در مورد نحوه شکل‌گیری روایت می‌گوید: «روایات کامل و بی‌نقص بودند، اما بعد از یک سال با حجم زیادی از مطالب روبه‌رو بودم که ابتدا و انتهایش رانمی‌شد به هم وصل کرد. به دنبال رشته مداوم و پیوسته‌ای بودم؛ کسی که به جز حضور در جبهه‌ها از حال و هوای دل ناصر هم با خبر باشد تا همه این قصه را انگین و یکنواخت بر پیکره کتاب بنشانند. کمی دیر به آقای مهدی امینی رسیدم، اما نبح تسبیح مهره‌های توی مشتَم شد و سر و ته این قصه ناتمام.»

نویسنده کوشیده تا با قلمی نرم و روان قطعات پراکنده زندگی سوزور را در قامت یک قاب واحد در بیاورد، قابی که از خانواده شهید خالی است و در اکثر مواقع از دوربین جناب مهدی امینی باقی مهر زمان شهید روایت می‌شود. این ایده نویسنده، اثر را به یک اثر پیکارچه تبدیل کرده تا مخاطب در کتاب با یک قصه و تعداد محدودی زاوی طرف شود که در یک خط و مسیر حر کت می‌کند و اینگونه نشود که در هر فصل پای یک آدم و لحن جدید به صحنه روایت باز گردد و خواننده هر بار از زاویه‌ای به دل زندگی سوزه بیفتد.

روایت یکدست است و روان پیش می‌رود، ولی گاهی تعدد اسامی و ساخت و پرداخته نشدن صحنه‌های مختلف از جنگ و شیراز و مکان‌های دیگر، مخاطب را از روند روایت خارج می‌کند و گاهی نیز زمینه سرد گرمی‌اش را فراهم می‌سازد. البته قید مستندبودن کتاب هم در به وجود آمدن چنین ضعف‌هایی بی‌تقصیر نیست و طبیعتاً بحث استناد کتاب، دست نویسنده را به نحو اکمل در حوزه پرداخت شخصیت‌ها و صحنه‌ها می‌بندد.

«لاینز» با تمام نقاط قوت و ضعفش، تلاش کرده تا به دور از هیاهو، مخاطبش را چند ورقی با زندگی یکی از همان بی‌خواب و خوراک‌های خاک وطن همراه کند و در همان مجال صد و اندی صفحه‌ای خود، تصویر شفافی از این فرزند لاینز ارائه کند.

فرهنگی

فرهنگی، ۶۰۰۷۲۳۸۸۵



حسین عبدالله انصاری

مردمی اربعین را آزمایشی الهی برای آماجگی حکومت امام عصر (عج می‌داند و بیسان می‌کند: هنرمندان از به تصویر کشیدن موکب در قاب‌های هنریشان غافل نشوند، پیوند میان هنر و موکب در این‌جا باید برقرار شود.

پهوندی ادامه می‌دهد: تولید محتوایی در فضای مجازی از چندسال گذشته با هشتک پایتخت موکب‌ها از سوی هنرمندان انجام می‌شد که باز خوردهای خوبی را بر جای گذاشت. همین موضوع موجب شد تا پایتخت موکب‌ها ماندگار شود.

وی می‌گوید: با آغاز به کار دومین سال از بر گزاری این سو گواره به دنبال بستری برای خلق آثار مختلف در رابطه با اربعین و موکب‌ها هستیم تا بتوانیم این آثار را از طریق رسانه تلویزیونی، مکتوبات رسمی منتشر کنیم.

دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها تأکید بر ضرورت استفاده از آثار اربعینی هنرمندان در فضاسازی شهری و پایانه‌های مرزی استان تصریح می‌کند: به دلیل حجم بالای عبور زائران اباعبدالله الحسین (ع) از پایانه‌های مرزی استان و مبادی شهری ضرورت دارد که این‌ا آثار در فضای شهری و پایانه‌ها نصب شوند تا مردم با آثار تولیدی هنرمندان بیشتر آشنا شوند.

پهوندی با اشاره به دبیران بخش‌های مختلف این سوگواره گفت: امید مدح، مستندساز و تدوینگر شناخته شده کشور، دبیری بخش فیلم و نماهنگ را بر عهده دار، محمد آهنگر، عکاس برجسته کشور دبیری بخش عکس و محمد ترک، گرافیست‌های خلاق، خوش ذوق و حرفه‌ای کشوری به عنوان دبیر بخش پوستر برای پیشبرد این سوگواره با ما همکاری می‌کنند.

او اظهار داشت دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها در خوزستان به همت سازمان تبلیغات اسلامی استان و با همکاری معاونت فرهنگی منطقه آزاد اروند، شهرداری اهواز، استانداری خوزستان، حوزه هنری انقلاب اسلامی واحد خوزستان در حال بر گزاری است.

دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها در پایان نکته قابل توجه این سوگواره را مردمی بودن آن می‌داند و می‌گوید: سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها به هیچ شخص یا ارگانی تعلق ندارد و کاملاً مردمی است، اعضای هیئت بر گزاری آن نیز بدون هیچ گونه چشم‌داشت مالی و امتیازی از این سوگواره در حال فعالیت هستند، چون نگاه ما این است همانطور که در ابتدای انقلاب اسلامی کمیته‌های مختلف به میدان آمده و موفق عمل کردند به دلیل وجود همین نگاه مردمی است. ما نیز علاقه‌مندیم این خاصیت در سوگواره حفظ شود تا فعالیت‌های چشمگیری بر جای بگذاریم.

و منحصر به فرد با دستگیری

از پاراننش وارد صحنه می‌شوند تا خادم الحسینی (ع) همواره برای زائران و نوکران این خاندان محبوب بماند.

این همه واژه را در کنار هم قرار دادیم تا با حمیدرضا پهوندی، دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها همکلام شویم تا از نمایش چهره‌های مردمی موکب‌داری و فرخوان هنرمندان برای خلق آثار اربعینی بشنویم.

او در ابتدای کلام از آغاز به کار رسمی دبیرخانه این سوگواره در استان خوزستان خیر می‌دهد و از تمامی فرهیختگان ملی می‌خواهد که با چشمان رصدگر خود این پدیده بی‌بدیل الهی را به تصویر بکشند و با قدم نهادن در مسیر سراسر نور الهی توشه‌ای برای پایان مسیر غیبت حضرت ولی عصر (عج) برارند.

پهوندی، موکب‌ها را اسفرینان انتقال دهنده پیام عاشورا به مردم می‌داند و معتقد است که هنرمندان باید با بهره‌گیری از نهضت حسینی (ع)، خدمت بی منت موکب و پیاده‌روی میلیونی اربعین خوراک فرهنگی جامعه را فراهم کنند و روایات در قالب هنر به مخاطبان برسد.

دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها اشاره به تعدد موکب در استان خوزستان به دلیل وجود دو مرز مشترک با کشور عراق، این سوگواره را فرصتی ویژه برای هنرمندان قلمداد می‌کند تا لنز دوربین‌هایشان این همایش عظیم پر از اخلاق و معنویت را به تصویر بکشد.

وی رمز ماندگاری پدیده‌ها را در روایت صبح آنها دانست و بیسان کرد: اگر این روایات در قالب هنر برای مردم باز گو شوند در طول تاریخ ماندگار تر خواهند شد. بنابراین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها پذیرای آثار هنرمندان و فرهیختگان ملی در چهار قالب مستند، عکس، پوستر، نماهنگ و کلیپ خواهد بود.

پهوندی با بیسان اینکه مواجهه با حالات درونی زائران اباعبدالله‌الحسین (ع) از پشت لنزهای دوربین قابل مشاهده نیست، می‌گوید: هر موکبی که برای خدمت‌رسانی به زائران آل حسین (ع) در مسیر پا شده‌است فعالیت‌های خاصی را انجام می‌دهد که اینها باید در قالب هنر برای مردم روایت شود.

دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها، حرکت موکب‌داری



حمیدرضا پهوندی دبیر دومین سوگواره ملی پایتخت موکب‌ها

گزارش

روایت تصویری اربعین در «پایتخت موکب‌ها»

■ **مینو فر چراغی**

این روزها حال و هوای شهرها حسینی است و همه می‌خواهند خود را به قافله عظیم عشق برسانند؛ شوق دیدار در این مسیر جان‌های خسته زائران را به سوی خود می‌کشاند، همه عاشقان با هر قوم، نژاد و ملیتی در مسیری که منتهی به حرم یار می‌شود، گرد هم می‌آیند تا قطره‌ای از دریا ی بیکران معرفت شده و با تآسی از اهل بیت (ع)، مفهوم قیام حسین (ع) و صبر زینب (س) را به گوش جهانیان برسانند.

اجتماع بزرگ اربعین، تمام تشدنی‌ترین نمایش جهان اسلام است؛ نمایشی که در آن تنها یک دلبر و میلیون‌ها عاشق وجود دارد. اربعین مرز نمی‌شناسد و عشاق هنگام وصل به نیم نگاهی از اربابشان هم راضی‌اند. گویی که در این زمان ندای «هل من ناصر یصرنی» از ارباب، بیش از هر زمان دیگری لبیک دارد و کربلایش کعبه دل‌ها می‌شود. چه آنان که در اربعین به دنبال سیراب شدن جان تشنه خود قدم در مسیر ارباب گذاشتند و چه آنهایی که به هر دلیل از قافله عشق جا ماندند، هر کدام به نوعی شور و دلدادگی خود را به تصویر می‌کشند.

آنان که از دیدار کوی دوست بساز مانده‌اند با خدمت‌بسه زائران اباعبدالله الحسین (ع) رسم عاشقی را مرور می‌کنند و افتخارشان خدمت به زائران امامی است که مصیبتش تا همیشه تازه خواهد ماند. قصه موکب داران مسیر عشق، قصه دلدادگانی است که برایشان فرقی نمی‌کند، پای دیگ باشند یا چای تازه برای زوار حسین(ع) آماده کنند، زیرا پایان هر دو مسیر رسیدن و ماندن یکی است و موکب‌داران افتخار توکری زائران اباعبدالله(ع) را کمتر از زیارت نمی‌دانند.

در مسیر رسیدن به اباعبدالله (ع) کسی جامی‌ماند، همه می‌روند، اما هر کس با شیوه‌ای خاص. یکی با ریختن قطره اشکی در کنج‌ترین قسمت خانه‌اش، یکی با دادن جرئه‌ای آب به زائر حسین(ع) و یکی با کوله‌باری بر دوش مسیر دلدادگی‌اش را طی می‌کند و حسین(ع) می‌شود قیله‌گاش.

خادم حسین (ع) بودن عشق بی حد و حصر و قابلیت ویژه می‌خواهد، باید ۴۰ روز بیرق عزای اباعبدالله (ع) بر پا کنی و به دنبال رتق و فتق امور باشی، خادمان حسین (ع) مشک ابوقاض بر دوش می‌گیرند و در زیر پرچم باب الحوائج آب را برای آل الله به خیمه خدمت می‌رسانند و طعم شیرین امدادهای غیبی آل حسین (ع) را در این رستاخیز جهانی می‌چشند.

بیان سکانس به سکانس جلوه‌های اربعینی در این پرده نمایش جهانی خود سریالی با میلیون‌دها قسمت می‌طلبد. در همه پرده‌های این نمایش عظیم، آل حسین (ع) به شیوه‌های خاص

رویداد «طنز تر سیمی» زبان مشترک مسائل اجتماعی است

مروری بر نشست هنرمندان کاریکاتوربست ایرانی و برزیلی در قم



که او در آثارش به آزادی رأی مردم می‌دهد را در این آثار توضیح داد. طبیبایی تجربیاتش را برای ایجاد خانه آثار این کاریکاتوربست خود را بیان کند.وی در ادامه نیز با ذکر مثال هایی به مشکلات اجتماعی در برزیل اشاره کرد و نقش هنر را در بیان مشکلات این کشور توضیح داد. او همچنین از تجربیات خود در هنر کاریکاتور گفت و به درخواست میهمانان رویداد کاریکاتوری را برای آنها ترسیم کرد.

برزیلی سخنرانی کرد و به گفت‌وگو با هنرمندان حاضر در جلسه پرداخت. او در پاسخ به سؤال محمدرضا دوست‌محمدی درباره خط قرمزهای کاریکاتور و نقش آن در برزیل گفت خط قرمزهای زیادی وجود ندارد حتی با زبان هنر کاریکاتور به رئیس‌جمهور نیز می‌توان انتقاد کرد و خدیندا هر مسئله سیاسی اجتماعی

شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ | ۱۶ صفر ۱۴۴۵ |



یادداشت

برای نسل فردا زبانی دیگر لازم آید

حاشیه بر برگزاری اردوی آموزشی- تربیتی «بیرق» برای شعرای نوجوان در شیراز

■ **هاشم کرون**

سال‌هاست که برنامه ریزان حوزه مسائل اجتماعی و تربیتی از گسست بین نسلی و فاصله به وجود آمده بین نسل‌های مختلف در جامعه امروز ایران سخن می‌گویند. در تعریف علمی این روند از وضعیت جدید ایجادشده بر اثر دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی سخن گفته می‌شود. در این وضعیت، اغلب، نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و در این راه به طغیانگری می‌پردازند.

این روند البته فقط بین نسل پدران و پسران خوئی اتفاق نمی‌افتد و روند گسست نسلی بین گروه‌های مختلف صغنی و تخصصی و… نیز رخ می‌دهد گسستی که نتیجه آن در فضاهای تخصصی از جمله هنر می‌تواند به نتایج ناخوشایندی از جمله قطع پیوندهای معنوی بین نسل دیروز و امروز و به تبع آن خالی شدن اندیشه نسل نو از هویت و اصالت و جریان نیاقتن اندیشه و ناتمام ماندن فعالیت نسل دیروز منجر شود.

عاشورا تنها یک اتفاق در گذر زمان نیست و فراتر از این باور که هیچ روزی جوان روز عاشورا و هیچ زمینی جوانا تربت کربلا و هیچ مصیبتی همچون مصیبت حضرت سیدالشهدا امام حسین (ع) نیست، اما عاشورا به‌منابه یک مکتب پیش از یک واقعه را رخداد تاریخی در تاریخ و جامعه و اندیشه ما بفای نقش کرده است.

دقیقا به همین دلیل است که در تلاقی هنر و ادبیات ما ایرانیان با مقلوه مذهب و آیین‌ها و مناسک مذهبی، این عاشورا است که نقش محوری یافته و چه در طول زمان و چه در روزگار حاضر بیشترین سهم از تولید آثار مذهبی چه در عرصه ادبیات و چه در گستره سایر هنرها همیشه از آن عاشورا و ادبیات و هنر عاشورایی بوده است.

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ عاشورا در جامعه ما میکب که به تسلسل ارتباط بین نسل‌ها بوده است چنانکه هیبت به‌عنوان هسته و گروهی مردم‌نهاد از دیرباز محل تلاقی و ارتباط اجتماعی نسل‌ها بوده و با رعایت همه جوانب حفظ حرمت و جایگاه اشخاص ریش‌سفید و اصطلاعاً پهنر غلام، به باز هم این جوانان بوده‌اند که در طول تاریخ بدنه اصلی هیبت‌های مذهبی را شکل داده‌اند.

برگزاری اردوی آموزشی تربیتی بیرق در شیراز اتفاق مبارکی است که محصول همدلی و همراهی دو مجموعه است. نخست مجموعه‌های مردم‌نهاد هیبتی، یعنی ستاد برگزاری هیبت‌های مذهبی را عاشورا به عنوان قدیمی‌ترین و مستمرترین حرکت مردمی، هیبتی و غیردولتی حوزه ادبیات مذهبی، بلکه حوزه فرهنگ و ادب کشورمان است که اکنون قریب چهار دهه مشغول به فعالیت است و در آستانه برگزاری سی و هشتمین برنامه سالانه خویش است و دیگری مجموعه حوزه هنری انقلاب اسلامی و نهادهای همسو که در برگزاری این برنامه مشارکت داشته‌اند اما اجرای آن را ساختاری نو و برآمده از اندیشه سال‌های اخیر حوزه هنری بر عهده داشته است، یعنی پردیس هنر و اندیشه انقلاب اسلامی «ره آوین» که به عنوان مرکزی برای رشد و توانمندسازی نسل آینده‌ساز انقلاب اسلامی در شیراز که به نوعی داعیه‌دار مرکزیت فرهنگ و هنر کشور است راه‌اندازی شده و در این سال‌ها با همه فرازوفرودها و آزمون و خطاها معدلی بالاتر از توقع فعالان فرهنگی و صاحب‌نظران داشته و به عنوان برگی بر افتخار در کارنامه مدیریت فعلی حوزه هنری فارس خودنمایی می‌کند.

اما آنچه سبب تشخیص بیرق شده روند و شیوه تربیت‌محور دوره است که آن را فراتر از یک اردوی ادبی صرف و در جایگاه یک دوره پرورش نسل و البته نقطه آغازین چنین حرکتی قرار داده است. زیست اردویی و تفریحی اعضای دوره با همراهی مربیانی که از نظر سنی به اعضای دوره نزدیک بوده، اما در سطحی بالاتر قرار دارند زمینه ایجاد تقاهم بین بر گزار کنندگان و شرکت‌کنندگان را فراهم ساخته بود.

در کنار آن بهره‌مندی از اساتید طراز ملی و استانی که اکثریت آنها شاعران جوان اما مطرح و پرافتخار کشور در حوزه ادبیات آیینی و انقلابی هستند، سبب شده بود که دوره به محلی برای همدلی و گفت‌وگوی بین نسلی تبدیل شود که در نوع خود قابل توجه بود.

استفاده از تجربه‌های موفق دوره‌های مشابه که در دهه‌های پیشین صورت گرفته بود اعم از اردوهای آموزشی و پرورش در دهه ۷۵- ۱۳۶۵ و دوره‌های دفتر شعر جوان در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و دوره‌های افتابگردان‌های مجموعه شهرستان ادب در دهه ۹۰ همه و همه سبب شده بود که برگزار کنندگان دوره با دستی پر به طراحی آن بپردازند و ترس چندانی از احتمال آزمون و خطا نداشته باشند که این مسئله خود نشان‌دهنده اهمیت بهره‌مندی از تجربه‌های پیشین است. خصوصاً آنکه بسیاری از مربیان و اساتید دوره به مقتضای سن خویش در برخی از آن دوره‌ها و تجربه‌ها از دهه ۶۰ تا ۹۰ هجری خویشیدی شرکت کرده و آن تجربه‌ها را یکجا به این دوره آورده بودند.

پایان سخن آنکه تجربه بیرق نشان داد که نسل جوان فارغ از دغدغه‌های موجود به‌شدت علاقه‌مند به یادگیری است و حتی برای مباحثی چون ادبیات آیینی باذوق و شوق پای میدان می‌آید به شرط آنکه به‌جای ترس از تبعات گسست نسلی توان خویش را پای کار بیآوریم تا این شکاف را با مدد همدلی و زبان خوش ترمیم کنیم. یادمان نرود که نسل جدید با حکم فرمان‌پذیر نمی‌شود و برای آنان زبانی دیگر لازم است یعنی زبان نسل فردا چنانکه جناب مولوی در گفت‌وگوی با کودکان توصیه کرده است که «پس زبان کودکی باید گشاد.»